

«بسم الله الرحمن الرحيم»



خلاصه کتاب جهاد اکبر حضرت امام خمینی (ره)

حوزه‌های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد. برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد.

خوب است فقهای عظام و مدرسین عالیمقام، که مورد توجه جامعه علمیه می‌باشند، در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند. محصلین حوزه‌ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیتهای خطیری که بر دوش آنان است اهمیت دهند.

شما باید در این حوزه‌ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید، تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلامی آنان را تربیت کنید.

اگر در حوزه‌ها به وظایف خود عمل نکنید و در صدد تهذیب خود نباشید و فقط دنبال فرا گرفتن چند اصطلاح بوده مسائل اصولی و فقهی را درست کنید، در آتیه خدای نخواستہ برای اسلام و جامعه اسلامی مضر خواهید بود؛ ممکن است، العیاذ باللّٰه، موجب انحراف و گمراهی مردم شوید.

چه بسا اموری که برای عامه مردم مباح است، برای شما (طلاب) جایز نیست، و ممکن است حرام باشد. مردم ارتکاب بسیاری از امور مباحه را از شما انتظار ندارند، چه رسد به اعمال پست نامشروع، که اگر خدای نخواستہ از شما سرزنند، مردم را نسبت به اسلام و جامعه روحانیت بدبین می‌سازد. درد اینجاست: اگر مردم از شما عملی که خلاف انتظار است مشاهده کنند، از دین منحرف می‌شوند؛ از روحانیت برمی‌گردند، نه از فرد!

گر خدای نخواستہ درس نخوانید حرام است در مدرسه بمانید؛ نمی‌توانید از حقوق شرعی محصلین علوم اسلامی استفاده کنید؛ البته تحصیل علم لازم است؛ منتها همان طور که در مسائل فقهی و اصولی زحمت می‌کشید، در راه اصلاح خود نیز کوشش کنید. هر قدمی که برای تحصیل علم برمی‌دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته‌های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوی، بردارید.

در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مهذب شد.

طوری نباشد که از اوّل نظر و هدف شما از تحصیل گرفتن فلان مسند و به دست آوردن فلان مقام باشد، و بخواهید رئیس فلان شهر یا آقای فلان ده گردید. ممکن است به این خواسته‌های نفسانی و آرزوهای شیطانی برسید، ولی برای خود و جامعه اسلامی جز زیان و بدبختی چیزی کسب نکرده‌اید. معاویه هم مدت مدیدی رئیس بود؛ ولی برای خود جز لعن و نفرت و عذاب آخرت بهره و نتیجه‌ای نگرفت.

هدف شما خدمت به اسلام و مسلمین باشد. اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می‌سازد: اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا. شما در راه خدا زحمت بکشید، فداکاری کنید، خداوند شما را بی اجر نمی‌گذارد؛ اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد. اگر جزا و پاداش شما را در این عالم نداد چه بهتر. دنیا چیزی نیست. این هیاهوها و شخصیتها چند روز دیگر به پایان می‌رسد، مانند خوابی از جلو چشم انسان می‌گذرد، لکن اجر اخروی لایتناهی و تمام نشدنی خواهد بود.

ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حب دنیا برمی‌گردد. و اگر در میان شما هم چنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حب دنیا را از دل بیرون نکرده‌اید. و از آنجا که منافع دنیا محدود می‌باشد، هر یک برای به دست آوردن آن با دیگری به رقابت برمی‌خیزد.

گاهی هواها و خواسته‌های نفسانی به اسم وظیفه شرعی انسان را به کارهایی وا می‌دارد. این وظیفه شرعی نیست که کسی نسبت به مسلمانی اهانت کند؛ از برادر دینی بدگویی نماید. این حب دنیا و حب نفس است؛ این تلقینات شیطان است که انسان را به این روز سیاه می‌نشانند؛ این تخاصم تخاصم اهل نار است: اِنَّ ذٰلِكَ لَحَقٌّ تَخٰصُمِ اَهْلِ النَّارِ.

شما با دست خویش آتش روشن نکنید؛ آتش جهنم را شعله‌ور نسازید؛ جهنم با اعمال و کردار زشت انسان روشن می‌گردد؛ این اعمال بشر چموش است که آتش افروزی می‌کند. [معصوم(ع)] فرمود: «جُزْنَا وَ هِيَ خَامِدَةٌ» (از جهنم گذشتیم در حالی که خاموش بود) اگر بشر با اعمال و کردار خویش آتش نیفزود، جهنم خاموش است!

کمی فکر کنید؛ دور اندیش باشید؛ عواقب امور را بسنجید؛ عقبه‌های خطرناکی که دارید به یاد آورید؛ از فشار قبر، عالم برزخ، مشکلات و شدایدی که به دنبال آن است غفلت نکنید. اقلاً جهنم را باور داشته باشید. اگر انسان واقعا این عقبات خطرناک را باور داشته باشد، روش خود را در زندگی عوض می‌کند. شما اگر ایمان و یقین به این امور داشته باشید، این گونه رها و آزاد خواهید زیست؛ قلم، قدم، و زبان خود را حفظ نموده برای اصلاح و تهذیب نفس خود کوشش خواهید کرد.

خدا نکند که انسان بر اثر کثرت معاصی از درگاه حضرت باری تعالی رانده و مردود گردد و از رحمت الهی محروم شود، که جز خلود در آتش جهنم راه دیگری نخواهد داشت. بترسید از اینکه، خدای نخواست، از رحمت و عنایت الهی محروم گردید و مورد خشم و غضب و عذاب او واقع شوید. مبدا اعمال شما، کردار و گفتار شما، طوری باشد که توفیقات را از شما سلب کند و جز خلود در نار برای شما راهی نباشد.

اگر، خدای نخواست، خواستید به کسی جسارت کنید، اهانت نمایید، مرتکب غیبت شوید، بدانید که در محضر ربوبی هستید؛ مهمان خدای متعال می‌باشید، و در حضور حق تعالی به بندگان او اسائه ادب می‌کنید؛ و اهانت به بنده خدا اهانت به خداست. اینان بندگان خدا هستند؛ خصوصاً اگر اهل علم بوده در صراط علم و تقوی باشند.

اعمال انسان به رسول خدا (ص) و ائمه طاهرین (ع) عرضه می‌شود و از نظر مبارک آنان می‌گذرد. وقتی که آن حضرت به اعمال شما نظر کنند و ببینند که از خطا و گناه انباشته است، چه قدر ناراحت و متأثر می‌گردند؟ نخواهید که رسول خدا ناراحت و متأثر شوند؛ راضی نشوید که قلب مبارک آن حضرت شکسته و محزون گردد...

وقتی حضرت محمد (ص) مشاهده کند که صفحه اعمال شما مملو از غیبت و تهمت و بدگویی نسبت به مسلمان می باشد و تمام توجه شما هم به دنیا و مادیت است و قلوب شما از بغض، حسد، کینه و بدبینی به یکدیگر لبریز شده، ممکن است در حضور خدای تبارک و تعالی و ملائکه الله خجل گردد که امت و پیروان او نسبت به نعم الهی ناسپاس بوده و این گونه افسار گسیخته و بی پروا به امانات خداوند تبارک و تعالی خیانت می کنند.

واقعا اگر انسان احتمال بدهد- لازم نیست یقین داشته باشد- که این خبرهایی که در قرآن کریم آمده، وعده ها، وعیدهایی که داده شده راست است، که در اعمال و کردار خود تجدید نظر نموده، این طور افسار گسیخته و بی پروا پیش نمی تازد. شما اگر احتمال بدهید که در مسیری درنده ای وجود دارد و ممکن است اذیتی به شما برساند، یا شخص مسلحی ایستاده که شاید متعرض شما گردد، از پیمودن آن راه خودداری ورزیده توقف می کنید، و در مقام تحقیق و صحت و سقم آن برمی آید.

شما عالم دیگری هم دارید؛ معاد و قیامتی نیز برای شما هست (مثل سایر موجودات که عود و رجعت ندارند نمی باشید). چرا عبرت نمی گیرید؟ چرا بیدار و هوشیار نمی شوید؟ چرا این قدر با خاطر آسوده به غیبت و بدگویی نسبت به برادران مسلمان خود می پردازید، و یا استماع می کنید؟ هیچ می دانید این زبانی که برای غیبت دراز می شود در قیامت زیر پای دیگران کوبیده می گردد؟

مرضهای روانی اگر درد داشت باز جای شکر بود، بالاخره انسان را به معالجه و درمان وامی داشت؛ ولی چه توان کرد که این امراض خطرناک درد ندارد. مرض غرور و خودخواهی بیدرد است. معاصی دیگر بدون ایجاد درد قلب و روح را فاسد می سازد. این مرضها نه تنها درد ندارد، بلکه ظاهر لذتبخشی نیز دارد: مجالس و محافلی که به غیبت می گذرد خیلی گرم و شیرین است! حب نفس و حب دنیا که ریشه همه گناهان است لذتبخش می باشد!

گر انسان به مرض دنیاپرستی و هواخواهی مبتلا شد، محبت دنیا قلب او را فراگرفت، از غیر دنیا و ما فیها بیزار می‌شود؛ العیاذ بالله نسبت به خدا و بندگان خدا و به پیامبران و اولیای الهی و ملائکه الله دشمنی می‌ورزد، و احساس حقد و کینه می‌کند؛ و آن گاه که فرشتگان به امر خدای سبحان برای گرفتن جان او می‌آیند، سخت احساس تنفر و انزجار می‌کند، زیرا می‌بیند که خداوند و ملائکه الله می‌خواهند او را از محبوبش (دنیا و امور دنیوی) جدا سازند؛ و ممکن است با عداوت و دشمنی حضرت حق تعالی از دنیا برود!

بکوشید اگر علقه، ارتباط، و محبتی به دنیا دارید، قطع نمایید. این دنیا با تمام زرق و برق ظاهریش ناچیزتر از آن است که قابل محبت باشد، چه رسد که انسان از همین مظاهر زندگی هم محروم باشد. شما از دنیا چه دارید که به آن دل ببندید؟

شما که اکنون جوانید، نیروی جوانی دارید، بر قوای خود مسلط می‌باشید و هنوز ضعف جسمی بر شما چیره نشده است، اگر به فکر تزکیه و ساختن خویش نباشید، هنگام پیری که ضعف، سستی، رخوت و سردی بر جسم و جان شما چیره شد و نیروی اراده، تصمیم و مقاومت را از دست دادید بار گناه و معصیت قلب را سیاهتر ساخت؛ چه‌گونه می‌توانید خود را بسازید و مهذب کنید؟

هر نفسی که می‌کشید، هر قدمی که برمی‌دارید، و هر لحظه‌ای که از عمر شما می‌گذرد، اصلاح مشکلتر گردیده ممکن است ظلمت و تباهی بیشتر شود. هر چه سن بالا رود، این امور منافی با سعادت انسان زیادتر شده قدرت کمتر می‌گردد؛ پس، به پیری که رسیدید دیگر مشکل است موفق به تهذیب و کسب فضیلت و تقوی شوید؛ نمی‌توانید توبه کنید؛ زیرا توبه با لفظ اتوب إلى الله تحقق نمی‌یابد؛ بلکه ندامت و عزم بر ترک لازم است.

این چشم و گوش که در اختیار شماست، این دست و زبانی که تحت فرمان شماست، این اعضا و جوارحی که با آن زیست می‌کنید - همه امانات خداوند متعال می‌باشد که با کمال پاکی و درستی به شما داده شده است؛ اگر ابتلا به معاصی پیدا کرد آلوده می‌گردد؛ خدای نخواستہ اگر به محرّمات آلوده شود، رذالت پیدا می‌کند. و آن گاه که بخواهید این امانات را مسترد دارید، ممکن است از شما بپرسند که راه و رسم امانتداری این گونه است؟

کوشش کنید تا برای آتیه اسلام به درد بخورید، و خلاصه یک انسان باشید. ایادی استعمار از انسان می‌ترسند؛ از آدم می‌ترسند. استعمارگران، که می‌خواهند همه چیز ما را به یغما ببرند، نمی‌گذارند در دانشگاه‌های دینی و علمی ما آدم تربیت شود. از آدم می‌ترسند. اگر یک آدم در مملکتی پیدا شد، مزاحم آنان می‌شود و منافع آنها را به خطر می‌اندازد.

والسلام علیکم والرحمة الله وبرکاته



سایت جامع امام خمینی (ره)
EMAM.COM